

شماری از زائران سنی امام رضا علیه السلام تا قرن ششم^۱

افزون بر شیعیان که از همان آغاز به زیارت قبر علی بن موسی الرضا علیه الصلاة و السلام می رفتند و در این باره، اصرار فراوان داشتند،^۲ سنیان نیز به زیارت بقعه آن حضرت علاقمند بوده و آن را زیارت می کردند.^۳ در اینجا از چندتن از عالمان و دانشمندان مشهور سنی که تا قرن ششم به زیارت مرقد مطهر علی بن موسی الرضا علیه السلام رفته اند،^۴ معرفی می کنیم.

ابوبکر بن خزیمه (م ۳۱۱) و ابوعلی ثقفی (م ۳۲۹)

ابوبکر ابن خزیمه نیشابوری (۲۲۳ - ۳۱۱) یکی از محدثان بنام و مشهور است که آثار ص: ۲۲۷ فراوانی از وی، از جمله دو کتاب حدیثی صحیح ابن خزیمه و التوحید برجای مانده است. ابوعلی محمد بن عبدالوهاب ثقفی (م ۳۲۸) نیز از عالمان بنام نیشابور بوده که به رغم رتبت علمی بالای خود، بعدها به دلیل درگیر شدن با ابن خزیمه بر سر مباحث اعتقادی، خانه نشین شد.

ابن حجر می نویسد: حاکم نیشابوری در کتاب تاریخ نیشابور خود نوشته است: از ابوبکر محمد بن

مؤمل بن حسن بن عیسی شنیدم که می گفت:

خرجنا مع امام اهل الحدیث ابی بکر بن خزیمه و عدیله ابی علی الثقفی مع جماعه من

مشایخنا و هم اذ ذاک م توفرون الی زیاره علی بن موسی الرضا بطوس، قال فرأیت من تعظیمه

- یعنی ابن خزیمه - لتلك البقعة و تواضعه لها و تضرعه عندها ما تحیرنا.^۵

با امام اهل حدیث، ابوبکر بن خزیمه، و رفیق و نظیرش ابوعلی ثقفی، همراه شماری از مشایخ مان به

راه افتادیم در حالی که آنها آماده رفتن به قصد زیارت قبر علی بن موسی الرضا (ع) در طوس بودند. در آنجا،

چنان تواضع و تظعیم و تضرعی از ابن خزیمه نسبت به آن بقعه دیدم که شگفت زده شدم.

۱. این چند سطر را برای ویژه نامه مجله زائر برای سالروز تولد امام رضا علیه السلام نگاشتم. باشد که آن امام همام، در آن روزی که «هر کس

با امام خویش خواهد آمد» ما را نیز در جمع رهروانش ببیند.

۲. تا به حدی که برخی از سنیان گفته بودند، شیعیان «زیارت طوس را بر حج کعبه ترجیح نهند». البته این نادرست است، چرا که همان زمان،

عالمی شیعه پاسخ داد که زیارت رضا و غیر رضا ازائمه هدی، چون نذر نباشد، سنت است و گر هزار بار کسی به زیارت رضا شود علیه

السلام، یک حج از گردن او بنیفتد چون واجب باشد. کتاب تقص، عبدالجلیل قزوینی، ضحیح محدث ارموی، ص ۵۸۹

۳. از شعر سنائی که در قرن ششم سروده، اعتبار و اعتنای مردم به این بقعه مطهر روشن می شود. بنگرید به مدایح رضوی در شعر فارسی،

احمد احمدی بیرجندی، سیدعلی نقوی زاده، صص ۲۷ - ۲۹

۴. ابن حوقل در صورة الارض (متن عربی، چاپ لیدن، ص ۴۳۴) که در سال ۳۶۷ تألیف شده، با اشاره به قبر علی بن موسی الرضا در شهر

نوقان، می نویسد که گروهی در آنجا معتکف هستند. حکایاتی نیز که شیخ صدوق در پایان کتاب عیون اخبار الرضا علیه السلام آورده، به

طور عمده، مربوط به زیارت سنیان از مرقد مطهر امام رضا علیه الصلاة و السلام است

۵. تهذیب التهذیب، ج ۷، ص ۳۳۹

ابن حبان (م ۳۵۴)

ابوحاتم محمد بن حبان بُسْتی (م ۳۵۴) از محدثان و رجال شناسان بزرگ اهل سنت در قرن چهارم هجری است. وی دو کتاب رجالی مهم یکی با عنوان *الثقات* و دیگری با عنوان *المجروحین* نوشته است. افزون بر آن، کتابهای دیگری نیز دارد.

ابن حبان در کتاب *الثقات*، ذیل نام علی بن موسی الرضا علیه السلام می نویسد:

مات علی بن موسی الرضا بطوس من شریة سقاه اياها المأمون، فمات من ساعته، و ذلك فی يوم السبت آخر يوم سنه ثلاث و مأتین و قبره بسناباد خارج النوقان مشهور یزار بجانب قبر الرشید. قد زُرْتُهُ مراراً کثیرة و ما حلت بی شدة فی وقت مقامی بطوس، فزُرْتُ قَبْرَ علی بن موسی الرضا صلوات الله جده و علیه ص: ۲۲۸
و دعوت الله ازالتهَا عَنِّي الاّ استجیب لی و زالت عني تلك الشدة و هذا شيء قد جرّبته مراراً فوجدته كذلك، أماتنا الله علی محبة المصطفى و أهل بيته صلى الله عليه و عليهم اجمعين.^۶

علی بن موسی الرضا - علیه السلام - به وسیله سمی که مأمون به ایشان خوراند، رحلت یافت. این حادثه در روز شنبه، آخرین روز ماه صفر سال ۲۰۳ رخ داد. قبر او در سناباد، خارج از نوقان، در کنار قبر هارون معروف است. من بارها آن را زیارت کرده ام. وقتی در طوس بودم، هیچ مشکلی بر من وارد نمی شد، مگر آن که به زیارت قبر علی بن موسی الرضا - صلوات الله علی جده و علیه - رفته و از خ دا گشایش آن را می خواستم و به اجابت می رسید و سختی از من برطرف می شد. بعد می نویسد: این چیزی است که بارها آن را تجربه کردم و دیدم نتیجه همان بود، خدا ما را با محبت رسول خدا و اهل بیتش بمیراند.

ابومنصور بن عبدالرزاق و ابیوردی (نیمه دوم قرن چهارم)

ابومنصور مح مد بن عبدالرزاق - صاحب شاهنامه ابومنصوری - یکی از بزرگان شهر طوس بود که زمانی هم حاکم این شهر بود. وی چندی با سامانیان درافتاد و به بویهیان پناه برد؛ اما باز به طوس بازگشت. وی صاحب شاهنامه ابومنصوری است؛ متن منثوری که از گوشه و کنار فراهم آمد و بعدها دقیقی و فردوسی بر اساس آن شاهنامه منظوم را سرودند. شیخ صدوق (م ۳۸۱) به نقل از ابوطالب حسین بن عبدالله بن بنان طائی نقل می کند که ابومنصور، خطاب به ابیوردی نامی که حاکم طوس بوده - و ما از وی خبری نداریم - و فرزند نداشته، می گوید:^۷

لِمَ لا تقصد مشهد الرضا علیه السلام و تدعو الله عنده حتی یرزقک ولدا؟ ص: ۲۲۹

۶. *الثقات*، (بیروت، دارالفکر)، ج ۸، ص ۴۵۶ - ۴۵۷

۷. عبارت عربی این قسمت چنین است: سمت ابامنصور ابن عبدالرزاق یقول للحاکم بطوس المعروف بالابیوردی. حدس دیگر آن اسرت که در این عبارت خطایی رخ داده و «حاکم بطوس» به دنبال نام خود ابومنصور بوده است. از پایان جمله نیز که وی پس از استیجاب دعا نزد ابومنصور برگشته و مورد اکرام وی قرار می گیرد، همین نکته به دست می آید.

فانی سأل الله تعالى هناك في حوائج قضيت لي . قال الحاكم : فقصدت المشهد على ساكنه السلام و دعوت الله عزوجل عند الرضا عليه السلام أن يرزقني ولد، فرزقني الله عزوجل ولدا ذكرا. فجئت الى ابي منصور بن عبدالرزاق و اخ برته باستجابة الله تعالى في هذا المشهد، فوهب لي و اعطاني و اكرمني على ذلك.^۸

چرا برای فرزندان شدن به مشهد رضا (ع) نمی روی و در آنجا دعا نمی کنی که خداوند به تو فرزندی عنایت کند. من خود خواست هایی داشته ایم که در آنجا از خداوند خواسته ام و اجابت شده است . حاکم می گوید: من به مشهد رفتم و نزد حرم رضا، دعا کردم تا خداوند فرزندی به من دهد . پس از آن خداوند، فرزند پسری به من عنایت کرد . پس از آن نزد ابومنصور بن عبدالرزاق آمدم و او را از استجابت دعای خود آگاهانیدم . او مرا مورد انعام و اکرام قرار داد.

شیخ صدوق حکایت دیگری نیز از ابومنصور بن عبدالرزاق نقل کرده که داستان سختگیری های نخست را بر زائران حرم امام رضا (ع) و اتفاقی که برایش در این باره رخ داده و نظرش را عوض نموده، نقل کرده است.^۹

حاکم نیشابوری (م ۴۰۵)

محمد بن عبدالله معروف به حاکم نیشابوری (۳۲۱ - ۴۰۵) از عالمان و محدثان بنام اهل تسنن است که کتاب مهم او با عنوان *المستدرک* تکمله ای است بر دو کتاب حدیثی اهل سنت با نام *صحیح بخاری* و *صحیح مسلم*.

وی از علاقمندان به امیرمؤمنان علیه السلام و برخلاف اهل سنت آن روزگار و زمان ما، از دشمنان سرسخت معاویه بود. وی مقام امام را برتر از همه صحابه می دانست. حاکم شرح حال مفصل امام را در تاریخ نیشابور نوشته بوده که متأسفانه این کتاب از میان رفته است . بخشی از این شرح حال، در کتاب *تهذیب التهذیب* ابن حجر موجود است که قسمتی از آن، همان نقلی بود که در ص: ۲۳۰

باره زیارت ابن خزیمه از مرق د امام رضا علیه السلام آوردیم . بخشی هم در تلخیص فارسی تاریخ نیشابور آمده است.^{۱۰} حاکم افزون بر آن، کتابی ویژه آقا علی بن موسی الرضا با عنوان *مفاخر الرضا* نوشته که متأسفانه آن نیز از بین رفته و تنها چند نقل آن در کتاب *الثاقب فی المناقب* برجای مانده است.^{۱۱} بی شبهه مؤلفی که چنان شرح حال مفصلی برای آن حضرت نگاشته باشد، باید از زائران آن امام همام باشد؛ و از حاکم نیشابوری، انتظاری جز این نمی رود.

سلطان محمود غزنوی (م ۴۲۱)

۸ . عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۱۲ (بیروت، الاعلمی).

۹ . همان، ج ۲، ص ۳۱۸

۱۰ . تاریخ نیشابور، تصحیح دکتر شفیعی کدکنی، صص ۲۰۸ - ۲۱۰

۱۱ . الثاقب فی المناقب، تصحیح نبیل علوان، صص ۴۸۳، ۴۹۶، ۵۴۶

سلسله غزنوی، طرفدار تسنن بودند و هر چند محمود غزنوی چند بار گرایش مذهبی خود را در داخل فرقه های مختلف سنی عوض کرد، همیشه با تشیع مخالف بود. پدرش سبگتکین، به دلیلی نامعلوم، به تخریب مرقد امام رضا علیه السلام پرداخت و پسرش محمود، به دلیل خوابی که دید، از نو آن را تجدید کرد.^{۱۲} آنچه هست آن که به روایت شبانکاره ای - که استاد فیاض احتمال داده اصل آن بخش کتاب ب وی - یعنی بخش غزنویان - از بخش مفقود تاریخ بیهقی (تحت عنوان تاریخ یمینی) باشد - در باره سفر اخیر سلطان محمود به خراسان نوشته است:

و سلطان فارغ شد و برفت به طوس و از آنجا به علی موسی رضا شد که زیارت کردی و گفت هر کس که زیارت نکند رافضی باشد! و این سخن اهل کرامیان او را گفته بودند!^{۱۳}

ابوالفضل بیهقی (م ۴۷۰)

ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی (۳۸۵ - ۴۷۰) یکی از دبیران برجسته دربار غزنوی و در ص: ۲۳۱ شمار مورخان بزرگ ایرانی است که متأسفانه، تنها بخشی از کتاب تاریخ او برجای مانده است. این بخش، شرح حال مسعود غزنوی (م ۴۳۳)، فرزند سلطان محمود غزنوی (م ۴۲۱) است. وی در شمار کسانی است که تربت امام رضا علیه السلام را زیارت کرده است. او در باره درگذشت ابوالحسن عراقی دبیر می نویسد:

و روز دوشنبه ششم شعبان بوالحسن ع راقی دبیر گذشته شد - رحمه الله علیه - گفتند که زنان او را دارو دادند ... در آن هفته که گذشته شد و من به عیادت او رفته بودم، او را یافتم چون تار موی گذاخته و لیکن سخت هوشیار گفت و وصیت بکرد تا تابوتش به مشهد علی موسی الرضا - رضوان الله علیه - بردند به طوس و آنجا دفن کردند که مال این کار را در حیات خود بداده بود و کاریز مشهد را که خشک شده بود باز روان کرده و کاروانسرای برآورده و دیهی مستغل، سبک خراج بر کاروانسرا و کاریز وقف کرده. و من در سنه احدی و ثلاثین که به طوس رفتم با رایت منصور، پیش که هزیمت دندانتان افتاد، و به نوقان رفتم و تربت رضا - رضی الله عنه - زیارت کردم گور عراقی را دیدم.^{۱۴}

منتجب الدین جوینی (م بعد از ۵۵۲)

منتجب الدین بدیع از کاتبان درگاه سلطان سنجر که کتاب *عتبه الکتبه* او باقی مانده، در مقدمه آن می گوید که زمانی نزد خواجه شهید ظهیرالدین بیهقی به تمرین نامه نگاری پرداخته و پس از درگذشت وی، در حالی که از مرو به مازندران می رفته به حرم رضوی رسیده و به زیارت آن شتافته است.

۱۲. تاریخ آستان قدس رضوی، عزیزالله عطاردی، ج ۱، صص ۹۲ - ۹۳؛ تاریخ مشهد از پیدایش تا آغاز دوره افشاریه، محمدرضا قصابیان، ص ۱۱۹. اصل این خبر از آن ابن اثیر است.

۱۳. مقدمه تاریخ بیهقی، چاپ فیاض، ج ۱، ص ۶۱ (در مجمع الانساب شبانکاره ای (چاپ میرهائیم محدث ص ۶۳) در بخش مورد نظر این مطالب نیامده و اساساً تحریر دیگری است). عجالتاً معنای سخن اخیر بر مؤلف این سطور روشن نشد

۱۴. تاریخ بیهقی، تصحیح منوچهر دانش پزوه، ج ۲، صص ۸۱۴ - ۸۱۵

و در آن اجتياز [عبور] گذر بر مشهد مقدس معظم مطهر رضوی - علی ساکنه الصلوة و السلام - بود به طوس، چون آنجا نزول افتاد، حالی چنان که واجب باشد، ترتیب آن زیارت مغتنم کردم و از سر نیازی و خضوعی و تضرعی که حال اقتضا کرد، حاجت خواستم تا ایزد تعالی مرا در آن حرفت که مظنه ص: ۲۳۲

همت منست و مطیه حصول مقصود، مهارتی و حذاقتی دهد و ذهن و خاطر را ذکائی و صفائی کرامت کند. [بعد از اشاره به حل مشکل ادامه می دهد که]... دانستم که آن استحسان اثر برکات و میامن آن بقعه شریفست و از کرامات آن سید بزرگوار علیه و علی آبائه السلام.^{۱۵}

وی در کتاب رقیة القلم به مشکل دیگری کرده و گفته است که برای حل آن به زیارت علی بن موسی الرضا(ع) رفته است:

... چون آن را تحریر کردم و به خدمت او آوردم، مرا سخت برنجانید و جفا گفت و آن نامه را بدرید و فرمود که بار دیگر نویس! من از غایت ضجرت و تنگ دلی به مشهد مبارک امیرالمؤمنین علی بن موسی الرضا رفتم و از روح پاک او استمداد طلبیدم و به تضرع و ابتهاج در آن موقف متبرک بنالیدم و تسهیل این شیوه از حضرت صمد یت درخواستم، آفریدگار سبحانه و تعالی دعای مرا اجابت گردانید.^{۱۶}

امام غزالی (م ۵۰۵)

امام محمد غزالی (۴۵۰ - ۵۰۵) از عالمان و عارفان مشهور قرن پنجم هجری است. وی سالهای نخست زندگی را در طوس سپری کرد. بعدها مدتی در بغداد، در مدرسه نظامیه تدریس کرد و برای مدتی بیش از ده سال، در حجاز و شامات در انزوا به تهذیب نفس پرداخت. پس از بازگشت بار دیگر، توسط سلاطین سلجوقی به تدریس دعوت شد. وی به سال ۵۰۳ در پاسخ یکی از سلاطین سلجوقی که از وی درخواست کرده بود تا به دربار وی بیاید، درباره گذشته خود چنین نوشت:

و بیست سال در ایام سلطان شهید - ملکشاه - روزگار گذرانید و از وی، به ص: ۲۳۳
اصفهان و بغداد اقبال ها دید و چند بار میان سلطان و امیرالمؤمنین - یعنی خلیفه - رسول بود در کارهای بزرگ. و در علوم دین نزدیک به هفتاد کتاب تصنیف کرد و پس دنیا را چنان که بود، دید، جملگی بینداخت. و مدتی در بیت المقدس و مکه مقام کرد و بر سر مشهد ابراهیم خلیل - صلوات الله علیه - عهد کرد که پیش هیچ سلطان نرود و مال سلطان نگیرد و مناظره و تعصب نکند. و اکنون دوازده سال است تا بدین عهد وفا کرد. و امیرالمؤمنین و دیگر سلاطین او را معذور داشتند. اکنون شنیدم که از مجلس عالی اشارتی رفته است به

۱۵. عتبة الکتبه، (تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال)، ص ۳

۱۶. لباب الالباب، عوفی، تصحیح ادوارد براون، ج ۱، صص ۷۸ - ۷۹. بی مناسبت نیست اشاره کنم که عوفی در جای دیگری از کتاب لباب الالباب (ج ۱، ص ۲۰۹) در شرح علمای مرو، از امام علاءالمللة و الدین شیخ الاسلام حارثی نقل کرده که... در قصبه کاریز در جوار مشهد طوس، خانقاهی است بر دیوار آن خانقاه قصیده تازی دیدم در مدح خاندان نبوت نوشته و تخلص به علی بن موسی الرضا کرده بر قافیت میم. چون ایراد اشعار تازی تکفل نکرده ایم، بر این اقتضار افتاد!

حاضر آمدن. فرمان را به مشهد رضا - علیه السلام - آمدم و نگاهداشت عهد خلیل را به لشکرگاه - یعنی نزد سلطان - نیامدم. و بر این مشهد می گویم که ای فرزند رسول! شفیع باش تا ایزد تعالی ملک اسلام را در مملکت دنیا از درجه پدران خویش بگذراند و در مملکت آخرت به مرتبه سلیمان علیه السلام رساند که هم ملک بود و هم پیغمبر.^{۱۷}

بیهقی در جایی از کتاب خود نیز از این نکته یاد کرده که ابوبکر شهرد در بنای بقعه امام رضا علیه السلام تلاشی کرد و ابوالفضل سوری بن معتز بعد از آن بر آن عمارتها افزود:

مشهد علی بن موسی الرضا - علیه السلام - که بوبکر شهرد کدخدای فائق الخادم خاصه آبادان کرده بود، [ابوالفضل] سوری در آن زیادت های بسیار فرموده بود و مناره کرد و دیهی خرید فاخر و بر آن وقف کرد.^{۱۸}

راوندی نیز در *راحة الصدور* اشارتی دارد که سوری بن معتز [عمید نیشابور]، قبه رضا - رضی الله عنه - کرده است.^{۱۹}

ص: ۲۳۴

۱۷. غزالی نامه، جلال الدین همایی، ص ۱۲۷

۱۸. تاریخ بیهقی، ج ۱، ص ۶۲۶

۱۹. راحة الصدور و آية السرور، تصحیح محمد اقبال، ص ۹۴